

بررسی جلوه‌های اصطلاحات عارفانه صوفیانه از نگاه امام خمینی (ره)

زیبافلاحی

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و دبیر ادبیات دبیرستان‌های فسا

چکیده

عمیق‌ترین ابعاد شخصیت معنوی امام خمینی (ره) بعد عرفان و خداشناسی (به اصطلاح اهل علم «آنتولوژی») وی است که شاید به دلیل جوانگرایی جامعه ایران در زمان سیر و سلوک این پیر صحبت، موفق‌ترین و ذوقی‌ترین جاذبه‌های اجتماعی و دینی تلقی شده است. به گواهی همه مفسران سیاسی و منتقدان اجتماعی، همین وجهه انسانی وی بوده که او را به مقاومت در برابر طاغوت بیرونی وامی‌داشته است. در این مقاله نگارنده پس از بیان شیوه ولایتی این مرد وارسته به نظرگاه‌های ایشان درباره اصطلاحات عرفانی صوفی، عارف، قلندر، شیخ، زاهد، رند و درویش پرداخته است.

بی‌تردید زندگی عارفانه امام خمینی (ره) بسیار متفاوت با دیگر اندیشمندان سیاستمدار جریان یافته و رشد کرده است. یکی از شاخص‌های این پژوهش تجسس واژه‌های عرفانی در شمارش جام غزل‌هاست. هرچند شعر در سلوک خود قالب و کلیشه بودن را یدک می‌کشد اما آنچه متفاوت می‌نماید، «معنا در زمان» است که شاعر را صرف‌نظر از تقلید به خلاقیت و ابتکار می‌کشاند. لذا نخست به سراغ نوع بسترسازی «ولایت در سیاست» امام خمینی (ره) (که منجر به هژمونی

ولایت‌فقیه بر حکومت‌های معنوی در تاریخ شیعه شده است) رفته‌ایم و سپس در توضیح هر اصطلاح به قیاس معنایی و بازگویی دانش تازه ایشان در تجربیات عارفانه پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: جام، ولایت، عارف، صوفی، شیخ، قلندر، رند، زاهد

پیشینه تحقیق

درباره آثار منظوم امام خمینی پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ از جمله تحریرات مؤسسه نشر آثار امام خمینی، که منجر به تدوین دیوان امام گردیده است. حسین قاسم‌نژاد هم در سایت

پیامبر (چهارشنبه بیست‌ونهم فروردین ۸۶) درباره غزل عارفانه امام خمینی و حافظ اثری داشته است. همچنین ساختار و زبان شعری امام خمینی (ره) در گفت‌وگو با استادیار دانشگاه پیام نور (شماره انتشار ۱۷۵۶۶-۹۰/۳/۱۳) خراسان شمالی بررسی شده و نیز بررسی مضامین مشترک اشعار امام خمینی و حافظ از سوی علی‌اکبر صادقی رشاد (در مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی) در سایت تبیان موجود است. البته در هیچ کدام از این آثار اصطلاحات عرفانی به شیوه فیش‌برداری و بسامدآوری، مانند این پژوهش؛ تفکیک نشده است. برای وصول به این مفاهیم عرفانی ضروری است نخست به شهر ولایت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) گذری داشته باشیم.

**سلوک عرفانی-اجتماعی
حضرت امام (ره) معطوف به
غلبه توکل و همت وی بر
قوانین عقلی و آگاه‌کننده‌ای
است، که از مظان تردد و
آمد و شد بین دو حد افراط
و تفریط به سلامت گذشته
و در تصرف خلافت حقیقت
محمدیه (ص) و اتحاد ظاهر
و مظهر و در نهایت مسیر به
ولایت کلیه و سپس مطلقه
انجامیده است**

۱. مقدمه نظری بر ولایت امام خمینی (ره) در مقایسه با حکیم ترمذی و دیگران

یکی از ابعاد شخصیتی امام خمینی (ره) وجهه فحیم عرفانی اوست. این بعد از شخصیت در همه افراد به نسبت آگاهی و تهذیب و تلاش و به شرط آنکه با توفیق حضرت حق همراه گردد، به شکلی متفاوت نهاده شده است. همه افراد فطرت و طبیعت خداجویی دارند و پیوسته با بی‌قراری و اضطراب آن هستی پنهان را جست‌وجو می‌کنند. امام خمینی (ره) نیز در بین روحانیان زمان خویش پیشروترین این مشرب بوده است. چراکه پیش از آنکه یک فقیه و فیلسوف یا یک سیاستمدار و انقلابی باشد، یک «عارف» است. به همین دلیل، به شعر و غزل امام (از نظر شخصیتی) ابتدا باید به عنوان شعری برخاسته از دل یک عارف عاشق نگریند نه یک اهل فن یا شاعر؛ آن‌گونه که حافظ و سعدی و ظهیر فارابی و دیگران بوده‌اند. مسلم است که عرفان امام خمینی (ره) او را به مقاومت در برابر طاغوت بیرون وامی‌داشته، زیرا این عرفان است که روح آزادگی و طهارت و نشاط را در سلوک شعر و شهود به وجود می‌آورد و حجاب



سرسپردگی‌های شرک‌آلود را به هوای وحدت و لذت دیدار حق از میان برمی‌دارد. لذا قلم فتوای این پیر دل‌آگاه، در فقه و اجتهاد از تازگی و طراوت عشق می‌نویسد که در فضای سیاسی و عقیدتی «زمان زیست وی» پذیرش آن بسیار دشوار بوده است و متعارف با الگوهای قبلی نیست. این رند روشنگر سر از حکومت و سیاست درآورده و دین و شحنة و شاهد، شهود و شعور، دیانت و سیاست همه را یکجا به میکده آورده است:

سر کوی تو، به جان تو قسم جای من است
به خم زلف تو در میکده مأوای من است
عاشق روی تو حسرت زده اندر طلب است
سر نهادن به سر کوی تو فتوای من است

(دیوان: ۵۹)

و در جام «وحدت حق» و عالمی شبیه‌تر از همه، به عالم مولانا جلال‌الدین، دل‌آرای خود را جست‌وجو می‌کند:
مسجد و صومعه و میکده و دیر و کنیس
هر کجا می‌گذری یاد دل‌آرای من است

(دیوان: ۵۹)

به همین دلیل، بسیاری از محققان و صاحب‌نظران نوع شخصیت این مرد خدا را به‌گونه‌ای نو تعریف و تمجید می‌کنند. کسی که در وجود خویش عرفان نظری را به عرفان عملی رهبری نموده، سپس در میکده عشق فتوای سوختگی و پختگی از شراب طهور الهی داده است، انسان‌شناسی و خودشناسی‌اش نیز به یقین با دیگران متفاوت خواهد بود. یکی از این تمایزها مطابقت رهاوردهای شهودی حضرت امام خمینی (ره) با حقایق و علوم کلی و برهانی بیرونی است، که در دیگر عابدان و روحانیون و صلحاء زمان وی به تکامل و بلوغ اندیشه‌ او هرگز مشاهده نگردید. یکی از قدیمی‌ترین نظریات عرفان شهودی در اندیشه‌های محی‌الدین عربی و در فتوحات مکیه وی آمده است که در مضمون آن، اثر تصفیه و سختی سلوک عرفانی امام را واضح‌تر می‌بینیم. عارف و فقیه حاضر، عبدالله جوادی‌آملی، هم در تحریر «التمهید»، (چاپ ۱۳۷۲، صفحات ۶۸۵ و ۶۸۶) به نقل از محی‌الدین آورده است:

«مجاهده و ریاضت تنها برای انسان‌هایی که دارای همت‌های عالی هستند به خرق حُجُب و شهود و ادراک معارف الهی منجر می‌شود و اما برای دیگران یعنی کسانی که در سلک عباد و زهاد و صلحاء، مقیم در مقامات نفسانی هستند، تنها صفای ضمیر و رقت حال را به دنبال می‌آورد.» (به نقل از کبیر، ۱۳۸۴: ۴۲)

سلوک عرفانی - اجتماعی حضرت امام (ره) معطوف به غلبه توکل و همت وی بر قوانین عقلی و آگاه‌کننده‌ای است، که از مظان تردد و آمد و شد بین دو حد افراط و تفریط به سلامت گذشته و در تصرف حقیقت محمدیه (ص) و اتحاد ظاهر و مظهر و در نهایت مسیر به ولایت کلیه و سپس مطلقه انجامیده است. لذا همه مظاهر متجلی از اندیشه عارفانه امام خمینی (ره) مانند شعر شیعی شده است که در آن حماسه، عرفان، شهود، صفا، عشق، ولایت و هدایت به یکدیگر آمیخته‌اند. ولایت

رحمانی رحیمی بر خلق خدا حاصل این معرفت نوین دینی بوده است. گفته‌های امام (ره) در کتاب «مصباح‌الهدایه الی‌الخلافة و الولایه...» که مهم‌ترین اثر عرفانی وی است - نوع ولایت ایشان (همان ولایت مطلقه عرفان ابن عربی در فتوحات المکیه) را به خاطر می‌آورد.

امام ضمن اشاره به حقیقت «نفس رحمانی» در صفحه ۱۳۶ این کتاب تحریر نموده‌اند که «فیض بر «وجود منبسط» سریان عشق و حب در مرتبه فعل که ظهور لازم این حقیقت، است» و از مشکلات آن حقیقت فیض به عالم می‌رسد؛ (ص ۱۳۷، سطر ۱۷) و (ص ۱۵۰). در ادامه با استناد به عقیده ابن عربی نوشته‌اند:

«پس امام موافق و عامل به عمل این فکرند.»
«نهایت ختم «ولایت عامه» قاب قوسین است اما «ولایت خاصه محمدیه» یا ولایت موروث از حضرت ختمی مرتبت، «ولایت مطلقه» نام دارد. اگرچه به ولایت عامه - که عیسی خاتم آن است - «مطلقه» نیز (در مقابل ولایت خاصه محمدیه) گفته‌اند. همان طوری که نبوت محمدیه موهوبی است، ولایت اولیای محمدیین نیز موهوبی است نه کسی. هر کس غیر آنچه ذکر شد گوید، معذور است و «عذر جهله». در پاورقی همین صفحه آن فقید سعید توضیح داده‌اند که: «برخی از جاهلان مغرور، که در عصر ما یعنی از ده دوازده سال قبل به این طرف مشرب طبیعت‌گرایی اختیار کرده‌اند، معتقدند که تمام انسان‌ها از حیث ادراکات در یک رتبه‌اند! آن‌ها علم خاص انبیا و اولیا را - که مأخوذ از حی لایموت است - بدون استفاده

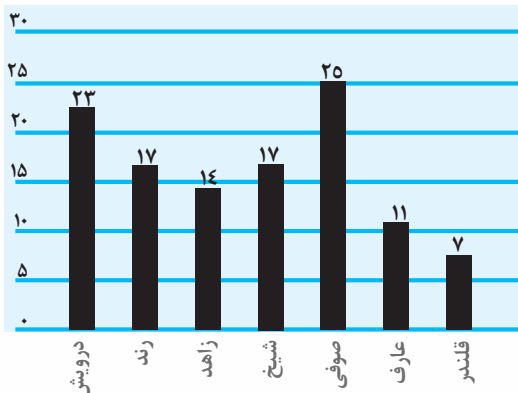
در مورد اهمیت کار ترمذی و مشرب ولایتی وی به رساله دکتری یک تحصیل کرده آلمانی که آن را با کمک و همکاری دوست انگلیسی اش تهیه کرده اشاره می‌نماییم. برنردولف راتکه (۱۹۴۴) و جان/اوکین (۱۹۴۰) در ۱۹۶۶ این رساله را انتشار داده‌اند.

«راتکه آلمانی زبان و استاد دانشگاه اوترخت هلند، و اوکین انگلیسی زبان و تحصیل کرده دانشگاه پرینستون آمریکا است. راتکه که در سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۶ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل رشته‌های علوم انسانی و فرهنگ اسلامی و روان‌شناسی پرداخته و تا ۱۹۷۴ در دانشگاه‌های سوئیس به تحقیق مشغول بوده، رساله دکتری خود را با عنوان «الحکیم ترمذی، عارفی مسلمان» زیر نظر استادش فرتیس مایر، اسلام‌شناس نام‌بردار، تألیف نموده است. این دو محقق در نظام‌مندی کتاب «سیرة الاولیاء» ترمذی به شگفتی می‌افتند و در مورد خدمات فکری و اعتقادی حکیم ترمذی می‌نویسند:

«خدمت خاص ترمذی به تاریخ تفکر اسلامی این بود که وی عناصر گوناگون فکری را با تجارب «عرفانی» شخصی خویش در آمیخت و از آن، دیدگاه کلی منسجمی، به عنوان نظام فکری خود، عرضه کرد. از این لحاظ است که ترمذی، با توجه به عصر و روزگار خود، موردی استثنایی است. در واقع، او نخستین و تازوگار ابن عربی تنها مؤلف عارفی است که نوشته‌های وی ترکیب و هم نهاد گسترده‌ای از تجارب عرفانی، مردم‌شناسی، کیهان‌شناسی، و الهیات اسلامی ارائه می‌کند. اگرچه، بسیاری دیگر نیز همین مسیر را شروع کردند.» (راتکه و اوکین، ۱۳۷۹: ۲۷)

این دو محقق سپس در مورد ابعاد تأثیر این تفکر و گسترش اندیشگی آن به مناطق دیگر ادامه داده‌اند: «به‌طور کلی، نظام فکری ترمذی نماینده حکمت قدیم اسلامی است که هنوز به‌طور آگاهانه پذیرایی عناصری از سنت فلسفی ارسطویی-نوافلاطونی نشده بود. این سنت اثر خود را فقط تدریجاً به‌واسطه نفوذ فارابی (۳۳۹/۹۵۰) و مخصوصاً از طریق ابن سینا (۳۸۰/۱۰۳۸) بر تصوف اسلامی بر جای نهاد. تا زمان سهروردی مقتول (۵۸۷/۱۱۹۱) و به‌ویژه ابن عربی (۶۳۸/۱۲۴۰) آن نفوذ، ابعاد برجسته‌ای پیدا کرد.» (همان)

نمودار ۱: میانگین بسامد اصطلاحات عرفانی (درویش؛ رند؛... در غزلیات امام خمینی (ره))



دنباله مطلب در وبگاه نشریه

از معلم بشری منکرند. نفوس مستتکفی بالذات بی‌نیاز از معلم بشری نمی‌شناسند.» (امام خمینی (ره)، مقدمه سیدجلال‌الدین آشتیانی، ۱۳۸۶: همان)

در واقع، می‌توان گفت حضرت امام (ره) در مفهوم ولایت، شیوه‌های شبیه به شیوه حکیم ترمذی در دوران آغازین عرفان اسلامی به عوالم روحانی این فلسفه هدیه نموده‌اند. ابوعبدالله محمدبن حسن بن بشرین هارون ترمذی ملقب به حکیم (۲۰۵ یا ۲۱۵-۸۳۰) از محدثان سرزمین‌های شرق اسلام بوده است که در بغداد حدیث شنیده و در بیست‌وهشت سالگی به هنگام زیارت وقتی در مکه اقامت داشته، حالتی روحانی نقطه شروع سلوک وی بوده است. (عارف سده ۳/ق ۹ میلادی). با این تفاوت که وجه حکومتی و شیوه طراحی تئوری ساختار ولایتی-حکومتی حضرت امام (ره) بر حکمت وی غلبه دارد. گفته شده ترمذی شیعی نبوده اما جنبه‌های تئوری و عملی ولایتی وی کاملاً شبیه فقهای شیعه بوده است؛ به‌ویژه در سیر و سلوک «ختم‌الولایتی» (نظریه ختم ولایت در زندگی خود نوشت وی) قابل انطباق با حریفان ولی آرای او در همه سرزمین‌های اسلامی پیشرو و زبانزد بوده است. او هم از زادگاه خود ترمذ (کرانه راست جیحون در منتهی‌الیه جنوبی ازبکستان امروز) به نیشابور تبعید شده و پس از بازگشت به ترمذ زندگی‌ای سراسر زهد و ریاضت شدید داشته و درصدد یافتن مصاحبانی هم‌فکر و نوعی هدایت روحانی مؤثر برآمده اما توفیق آن نیافته است.

فضای تکوین سلوک عارفانه حضرت امام، از نمای سراسر هستی مرئی می‌گذرد؛ بنابراین، سختی با کل هستی در بطن این روند طولی وجود دارد و شرط صفا و سلوک وی شده است. این شیوه سلوک شعری حتی در مسلک نیما (وقتی که منقبت مولای متقیان (ع) را با وصف بهار همراه می‌کند: باز آمد نوروز مه و دلبر و ساغر/ زان گشت همه باغ پر از ساغر و دلبر... (دیوان به کوشش سیروس نیرو، ۱۳۸۳: ۸۷) تا مشیری که به شاعر همیشه خرامان و همیشه بهاران و تشنه در آب و ریشه در خاک معروف شده است (آنجا که در قطعه «خوش به حال غنچه‌های نیمه‌باز»، عطر نرگس؛ رقص باد، نغمه شوق پرستوهای شاد. (به نرمی باران، ۱۳۷۱: ۶۲۸) و نیز سهراب سپهری که به نوگرایی در مسلک عرفان اجتماعی و احساس معروف شده و به گفته خودش «روحش در جهت تازه‌اشیا جاری شده و نبض گل‌ها را گرفته و با سرنوشت تراب و عادت سبز درخت آشناست... (شمیسا، ۱۳۸۲: ۹۶)» رخ می‌نماید. این طریقه در پیشینیان بسیار رواج داشته اما امام (ره) «بهار» را با همه زیبایی و طراوتش، در فضایی سرشار از آوای بهشت و صفای هستی مشاهده و زیست می‌کند و خود سلوک شعری گذشته و معاصران را ادامه می‌دهد. آثار حکیم ترمذی «علل الشریعه»، «المنهیات»، کتاب «الحقوق»، کتاب «الصلوة»، کتاب «ادب النفس» و کتاب «علم‌الاولیاء» است و جایگاه وی در تفکر اسلامی بسیار بلند است. به هر تقدیر، در این گفتار برای اینکه بی‌طرفانه شیوه نوین حضرت امام (ره) را در ولایت مطلقه تبیین کرده باشیم؛